

در آستانه ی کریسمس!

عیسا از فرزندان ابراهیم بنا بر تقویم کاتولیک رومی امشب به دنیا آمده است در دو هزار و بیست و سه سال قبل. او یک یهودی معتقد بود و در دوران خاصی به دنیا آمده است.

در آن زمان جهان دو قطبی بود میان توتمیسم رومی و مزدائیسم اشکنازی... سرزمین محل تولد عیسا یعنی ایالت یهودا در شام بزرگ تحت تصرف رومیان بود. اشکنازیهای پهلوان که در زبان لاتین پارتی ها خوانده می شدند تیراندازان و جنگاوران ماهری بودند که رومیان را در کیلیکیا یا ماوراء فرات متوقف کرده بودند. آنها کراسوس سردار بزرگ رومی را نیز در سال ۵۳ قبل از میلاد در جنگ حران شکست دادند و او را در زاخو کشتند. سردار اشکنازیها سوران نام داشت، پادشاه اشکنازیها هم ههروته نام داشت. اشکنازیهای بایی دین، منش درویشی داشتند، عقاید صوفیانه داشتند. موها و ریش انبوه داشتند و خود را مدافعان و سربازان ماردوخ می نامیدند.

ماردوخ در سنت عبری به میکائیل و در سنت مندایی ملکا نامیده می شود. کردهای مسلمان او را ماره یا ماهره و مهل می نامند. یهودیان آرامی کرد نیز او را مهلکه می نامند. کردهای ازیدی هم او را طاووس ملک می خوانند.

ماردوخ (مردوخ، خومورد، موردخای، کومورد، کوردوخ، کورد، گومرد، شوروپاگ، کیومرث، کاردوخ، پاتروخ، پاتروک، پارتوک، پارتوو، پارتووه، دهرویش، شوریده، شویدمر، ژوپیتر، پاتریوت، آتروپات، پارتیوه، پردیوه، آرتومات، آرتیمات، ماتتیرا، میترا، میهرا، پیترا، پیترا، شوپیترا)... ایزد آفرینش و پاسدار عدالت و محبت و پیمان و سنتهای پهلوانی و دوستی است.

پادشاهی اشکنازی در قرن اول قبل از میلاد بسیار بر سرزمینهای ساحل شرقی مدیترانه حساسیت داشت زیرا در زمان کوروش بزرگ از پادشاهان سلسله ی دوم داهیوکیان ماد تمامی خاورمیانه و مصر زیر سلطه ی ماردوخی ها ، کاردوخی ها یا کردها بود. اما اسکندر بزرگ بر خاورمیانه تسلط یافت دهوکیان را برانداخت و نود سال بعد اشکنازیهای ماردوخی به رهبری منجی (ارشک) که خود پاتریوت آتش مقدس خاوران بود شروع به بازپسگیری اراضی خود از حکام یونانی کردند و نهایتا کنترل امپراطوری دهوکیان دوم را که به دست اسکندر منقرض شده بود به دست گرفتند. اما اکنون رومیها به عنوان فاتحان جدید اروپایی به خاورمیانه آمده بودند. آنها آمده بودند تا تاریخ را تکرار کنند و به هندوستان برسند و این بار اشکنازیهای کاردوخی قوی و منسجم بودند و راه را بر رومیها بستند و حتی سردار سوریه یعنی کراسوس را کشتند. دلیل دوم حساسیت پادشاهان اشکنازیهای کاردوخی به

سرزمین شام، واقعیت راه ارتباط آنها با کارتاژ و مصر و قبرس از طریق این سرزمین بود... اما رومیها با اقتدار بر شام حکومت می کردند. یهودیان یهودا و لبنان و سامره با همکیشان اشکنازی کاردوخی خود بسیار پیوسته بودند. تا آن حد که زبان ارتباطی آنها آرامی بود. یهودیان اسرائیل عبری سخن نمی گفتند بلکه آرامی تکلم می کردند مانند زبان اداری مردم سرزمین اشکنازی کاردوخی یا کردستان باستان... کردهای باستان با زبانهای ماد و پالویی سخن می گفتند. در حقیقت آن دو زبان لهجه های یک زبان هستند. اما پالویی با لغات بیشتری از آرامی تلفظ می شد. الفبای پالویی ها آرامی بود اما الفبای مادها یا مغان هیروگلیف و خط میخی بود. با تسلط اشکنازیهای پالویی الفبای مغان یا پاتریوتهای شهر مقدس خاوران تبدیل به آرامی شد.

زبان آرامی همان کردی باستانی است شامل تمامی لهجه های کنونی کردی و آشوری باستانی. طبیعی است اشکنازیها در اسرائیل و لبنان نفوذ فراوان داشتند .

مثلا امپراتور اشکنازی به فرماندار هادیابن- اربیل دستور داد تا در طول هفت ماه محاصره ی رومیان، به شهر گالیل اسرائیل یاری برساند. او در دوران محاصره ی گالیل که هفت ماه طول کشید تدارکات، لجستیک و سلاح و آذوقه ی فراوان به این شهر فرستاد .

افکار عارفانه ی مردوخی تمامی خاورمیانه ی باستان را فرا گرفته بود. قرنها و هزاران سال بود این تسلط وجود داشت اما در زمان اشکنازیهای ماردوخی این تسلط با اقتدار ملی و سیاسی همراه بود.

در زمان جنگ با رومیها این افکار ماردوخی با افکار آزادیخواهانه و دادخواهانه و بیگانه ستیزی در اسرائیل و سرزمینهای ماوراء فرات تجلی یافت. آنها همواره در انتظار ظهور یک رهبر جدید بودند تا ظهور کند و مانند ارشک آتروپات شهر خاوران، سرزمینهای غرب فرات از آناتولی تا صحرای سینا را نیز به سرزمین اصلی ملحق کند و راه مقدس اورشلیم- حران- خاوران را احیاء کند.

تهنگیور، یاپال، ورممز از شخص ها / کوسه ها یا بزرگان سرزمین خاوران ستاره ی پادشاهی را دیدند و شگفت زده شدند، آنها تصمیم گرفتند که ستاره را دنبال کنند. آن سه نفر سوار بر شتر شدند(شترهای سقز معروف بودند) و ستاره را دنبال کردند که به طرف غرب می رفت. آنها ستاره را تا یهودا و روستای بیت لحم دنبال کردند و در مکانی که ستاره توقف کرد یک خانواده ی سه نفره دیدند: یک پدر و مادر جوان و یک نوزاد.

آنها به زن و مرد جوان گفتند که پسر آنها کوسه (داعی بزرگ) اسرائیل می شود اما باید جان او را حفظ کنند... عیسای کودک به سخن آمد و گفت سرزمین شما خاوران (اورینت، شرق اول) در آینده های دور مرکز تمدن و تحول و پیشرفت خواهد شد.

بله، پیشگویی عیسای ناصری درست از آب در آمد و یکصد روز قبل، هنگامی که در بیست و پنجم شهریور ۱۴۰۱ شمسی یعنی پانزدهم سپتامبر ۲۰۲۲ مردم این شهر بر مزار ژینا امینی که دقایقی قبل از آن جسد ژینا را در آن دفن کردند، شعار دادند زن، زندگی، آزادی و زنان حجاب اسلامی اجباری را کنار گذاشتند و زن و مرد پایکوبی کردند و دست زدند. رفتاری که هرگز در فرهنگ عزاداری و مویه و شیون اسلامی موضوعیت ندارد. زیرا اسلام اجازه نمی دهد زنان در مراسم تدفین مرده ها شرکت کنند چه برسد به پایکوبی و کف زدن و برداشتن روسری و چادر از سر زنان.

پس از تدفین ژینا امینی، مردم سقز در مرکز این شهر اقدام به قیام کردند و دو جوان کشته شدند و عده ای مجروح شدند و عده ی زیادی هم دستگیر شدند. چند ساعت بعد مردم سقز هم به این قیام پیوستند و تهران هم در همان شب به قیام پیوست و پس از پیوستن مازندران و اصفهان و رشت و کرمانشاه و تبریز و اردبیل و یکصد و سی شهر در ایران، این قیام جنبه ی عمومی به خود گرفت که تا الان ادامه دارد.

رئیس جمهور آمریکا که در سازمان ملل حضور داشت در سخنرانی سالانه ی خود از مرگ ژینا اظهار ناراحتی کرد و رژیم ایران را محکوم کرد... در پی او کشورهای آلمان، بریتانیا، فرانسه، اسرائیل، کانادا، نیوزیلند و استرالیا و بسیاری کشورهای دیگر به این رویداد تلخ و همچنین قیام سرتاسری ایرانیها واکنش نشان دادند و رژیم ایران را محکوم کردند.

بر مزار ژینا به زبان کردی نوشته بود: ژینا جان! نام تو سمبل می شود... سمبل در اینجا یعنی آزادی... زندگی... زن... بیداری و آگاهی مرد... تحول بزرگ اجتماعی ...

من کاهن (شویدر، شوریده، آتروپات، درویش، زیندوتا، سوشیانت، ماشیاه) آتشگاه خاوران از شمال اروپا به تمامی کسانی که به این سمبل اعتقاد وافر دارند احترام می گذارم.

دژ آتشگاه خاوران اکنون وجود خارجی ندارد زیرا در بهمن و اسفند ۱۳۶۶ شمسی به بهانه ی ساخت پناهگاه جنگی توسط سپاه پاسداران ویران شد اما در آنجا تنها یک حسینیه ی بدقواره و زشت ساختند که تا سالها نیمه تمام مانده بود. بقیه ی زمینهای آن را فروختند و مردم در آنجا خانه ساختند.

فراموش نکنید این آتش در قلب ما زنده است... زیرا یادگار خلقت و اولین طلوع خورشید است... این آتش علامت عشق میان خسرو پرویز و شیرین است و سمبل عشق میان انسان اول (خاتو، آتاخوا، خات، خواته، خواده، خوه‌دی، خه‌دیو، خواجه) با همسرش (نایه، نهای، نهدا، دایه) و سمبل عشق آتروپاتها از مغ اول (یام، مای، پاک، ماگ، بگ، پریوه، نیوه، هیوا) تا مغ آخر (زیندوتا) به خدای بزرگ، آفریننده‌ی بود و نبود و چاره و خدای آفریننده‌ی روح جاودان و ذره‌ی آفرینش و ایزد بزرگش میکائیل مردوخ است.

من ادامه دهنده‌ی آیین پاک (آیین بایی، باهی، بهی) هستم. آیین پاک اعتقاد تمام به جاودانگی روح و نظام پاداش و سزا برای انسان در زمان زندگی در جهان کنونی و زندگی پس از مرگ دارد. آیین پاک اعتقاد تمام به حق‌گزینش و اختیار برای انسان دارد اما هشدار می‌دهد که هر‌گزینش اختیاری انسان در عمل عواقب نیک و بدش به انسان برمی‌گردد. انسان دارای آزادی فردی است اما با وجود مفهوم زندگی اجتماعی، آزادیهای فردی انسان توسط قوانین مدنی تعریف می‌شود تا نظم عمومی جامعه و امنیت اجتماعی ایجاد و حفظ و گسترش پیدا کند و انسان به پیشرفتهای مادی، رفاهی و روانی بیشتر دست پیدا کند.

دوباره آمدن جشنهای میلاد مردوخ و سال ۶۳۷۷میتزایی و میلاد عیسای مسیح و حلول سال نو ۲۰۲۳میلادی و جشن حنوکای سال ۵۷۸۲ عبری را به شما کردها و ایرانیهای معتقد به آیین بایی (دادپروری و تعادل ترازوی عدالت) تبریک می‌گویم.

متاسفم که در این روزگار تلخکامیها من به دنیا آمدم و نمو کردم و به این سن میانسالگی رسیدم تا شاهد محنتهای نسلهای پس از خودم باشم اما خدای بزرگ به من مژده داده است که یک روز این تلخکامیها به پایان می‌رسد. من آن روز را خواهم دید، شما هم خواهید دید.

وقتی با شما دیدار کنم شاهد آزادی سرزمین خاوران خواهیم بود. آزادی سرزمین خاوران تنها با گرمی آتش معنوی قلب شما مردم باستانی میسر می‌شود.

استادم شورویاگ زردشت در دوهزار و هفتصد و پنجاه سال پیش این روزگار را پیشگویی کرده است... زیرا خداوند به او اجازه داد تا این راز را درک کند و برای مردم شوربخت این زمان به یادگار بگذارد. مطمئن باشید این پیمان خداوند است و حتما به واقعیت تبدیل خواهد شد. در روز آزادی، من زیباییهای دیگری را برای شما فاش می‌کنم که مایه‌ی شادی شما و مردم جهان خواهد شد.

البته در آن خیر و برکت وجود دارد.

مرشد من خدر زنده فرزند شاه سوريجا و نوه ی گاوبارو شاه می باشد. در زبان کردی خاوران، به داعی و روحانی می گویند شخص یا کوسه یا کشیش... در متون زرتشتی اخیر از آن به عنوان اوسبخش و خشه یاد شده است. یارسانیها به آن می گویند سلطان...

خدر زنده یا شوروپاک توسط آنو و انلیل زندگی جاودان یافت. زندگی این جهانی را ماردوخ به او داد مانند هر انسان دیگری. اما آنو ایزد نگهبان آسمان و انلیل ایزد نگهبان بادهای او را تقدیس و جاودان کردند زیرا نسل بشر و حیوانات و گیاهان را از طوفان بزرگ حفظ کرد. این طوفان در دوازده هزار سال پیش روی داد. خدرشاه پادشاه کور دیلمون و کاهن آتش خاوران و فرمانروای سلسله ی سومری کاشپی (شاگیگا، کاشیشو، شوکاشو، کاشی، کاسی، سکی، کوشی، اشکی، اشکوزی، اشکنازی و سکزی و سکستانی) بود. پس از طوفان نسل بشر در کور دیلمون و مزوپوتامیا تکثیر شد و اقوام سومری دوم و عیلامی و گوتی و هوری و لولویی و آکادی در خاورمیانه ظهور کردند. آن قوم که در کور دیلمون باقی ماند و از خاندان شوروپاک خدر زنده بود و می بایست آتروپات آتش خاوران باشد به پاک، ماگ، بهگ و پات، ماد، مای معروف شد آنها را کوردیلمونی، کاردیلمونی، کاردولی، کالدوری، کالدونی، کلدانی، کالدی، خالدی، کاردونی، گاردونی، چاردونی، چارداولی، چاردوری، چاردونی و چاردنیا می نامیدند.

لقب سلسله ی کاشی بابل در هزاره ی دوم قبل از میلاد نیز چاردونیا بود. آنها توسط هیتیها منقرض شدند.

این لقب متعلق به سرزمین خاوران بود که دارای چهار دروازه ی طبیعی بود. سه دروازه ی آن آبی و دروازه ی چهارم آن اشعه ی طلوع آفتاب از شرق این سرزمین است. سمبل کاردونی یک صلیب چرخان است که به آن چرخو می گفتند. چرخ عبارت بود از گردونه ی ایزد تیر یا سور حاکم بر سیاره ی عطارد یا مرکوری با سمبلهای گربه ی سیاه و برج خرچنگ...

چرخو توسط یکانه یا گراز و هرام کشیده می شد. این گراز علامت سرخی شراب انگور سرزمین خاوران و کبودی اشعه ی نور خورشید در ماوراء بنفش را دارد. نام او یام، جمشید، پرهام یا بهرام، و هرام، ورهرام، ورترخن، اورام، ابرام، ابراهام و مریخ است.

راههای آبی چاردونی یا چاردونیا توسط ایزد نگهبان آبهای جاری هانه یا ئهستیر اداره می شود.

به هر حال... بر خلاف آنچه نادانها و بی دانشها از مای بدگویی می کنند و او را منفور می دانند تشابه اسامی اساطیر و ایزدان و پیامبران و پادشاهان تاریخی را درک نمی کنند و فکر می کنند زردشت با سرزنش مای یا جمشید شاه با ابراهیم پدر یهودیان دشمنی می کند و داستان استر و مردخای را گواه می آورند. آنها نمی دانند هم استر، هم مردخای هم خوشه دمره پادشاه ماد هم یهودیان و هم کاردوخیها همگی دارای یک مسلک و آیین بوده اند و علت اختلاف مردخای(مهرا- ماردوخ، کورده) و خامان(وهامان- ماکان، بهمن) سلطه بر دستگاه اداری پادشاه بوده است. هامان از موقعیت خود ترسیده است و مردخای از یهودیان میتزایی(اشکنازی کاردوخی پالویی) است با عقاید میکائیلی و صوفیانه و هامان با صوفیها دشمنی کرده است... این دشمنی را پادشاهی مانند انوشیروان ساسانی نیز با صوفیها داشته است. اسلام هم با این صوفیگری دشمن است. یونانیها و رومیها با این صوفیگری دشمن بودند. فرعون هم با این صوفیگری دشمن بود. روحانیون فریسی و صدوقی هم با این صوفیگری دشمن بودند. آنها عیسا را به کشتن دادند. برای اینکه عیسا مانند خدر شاه، ابراهیم، موسی و داود و شموئیل عقاید صوفیانه داشت... زردشت و مانی و مزدک و سلطان سهاک و شیخ ادی و بهاء الله و شیخ عبدالقادر گیلانی و باباطاهر و مریانی و مولانا خالد نیز این عقاید را داشتند.

چند ماه پیش یک ملای مسلمان سلفی سنی به عبدالقادر گیلانی دشنامهای بسیار زشتی داد. ملاهای سلفی و اخوان المسلمین که یک گروه اسلامی تندرو با عقاید جهانشمول است با تصوف دشمنی بسیار دارد. کشورهای حامی این نوع تفکر پولهای بسیار خرج می کنند تا ملاها را تربیت کنند و در کردستان پراکنده کنند و ریشه ی عرفان ماردوخی کردی را از بین ببرند و با از بین بردن آن کردها را نابود کنند.

من به کردهای جهان توصیه می کنم هرگز ریشه های آیینی خود را فراموش نکنید و این فرهنگ را که من در دو سال اخیر برای شما دوباره زنده کردم حفظ کنید و در زندگی روزانه ی خود استفاده کنید زیرا راز ماندگاری هویت ملی کردها به عنوان " کرد کردستانی" در این نوشته های من قرار دارد.

هرگز به یهودیان، مسیحیان، یارسانیها، ازیدیها، مندائیها و بهائیها و زرتشتیها بی احترامی نکنید.

آنها وارثان آیین ماردوخی کردی حقیقی هستند.

به کردهای مسلمان توصیه می کنم از ملاهای جورواجور شیعه و سنی پیروی نکنید آنها مروج و مشوق وهم، گریه و درماندگی و ترس از آینده و منطق " تا زود است برس و ببر" هستند زیرا از

آینده ی هیچ چیز مطمئن نیستند و از این رو ترسو، محافظه کار، طماع، حریص، حقه باز، حسود، بخیل، ستمگر، خسیس، خشن، بی رحم، شکمباره و شهوتران هستند.

از شما مردم کردستان و به تبع آن دسته از ایرانیهایی که دنباله رو افکار غلط و فاشیستی نیستید می خواهم دروغ نگویند و دهن بین نباشید، بدبینی و شکاکتی زیاد همان ساده لوحی و حماقت است، هرگز خود را تا آن حد در معرض اشتباه قرار ندهید. مقام و منزلت خود را بشناسید و خود را در جای هیچ کس قرار ندهید بلکه بکوشید اهمیت وجودی خود را درک کنید اما بدانید در این جهان نظام سلسله مراتب وجود دارد و هر کس در جایگاه خود قرار دارد.

همواره به بزرگتر از خود احترام بگذارید. به جهان و زندگی عشق بورزید و برای بهبود وضعیت مادی و معنوی خود بکوشید. به فرهنگ و مظاهر آن (ادبیات، هنر، انسان شناسی، جامعه شناسی، باستانشناسی و تاریخ) احترام بگذارید و آن را توسعه دهید.

هویت خود را دوست داشته باشید و به آن احترام بگذارید. در دام فاشیسم نیفتید چون شما را اول احمق و سپس خودشیفته و بعدا به توسعه طلبی می کشاند و در نهایت جهان را بر علیه شما بسیج می کند. روی پای خود بایستید و متحد باشید و به هویت دیگران احترام بگذارید.

صبر کنید تا دشمن تیر اول را بیندازد، وقتی جنگ را آغاز کردید تا نابودی دشمن پیش بروید. به قوانین احترام بگذارید.

زبان کردی را حفظ کنید. خاک و سرزمین و جغرافیای کردستان و منابع آن را حفظ کنید. به رنگهای سرخ و زرد و بنفش و کله غازی و خاکستری استخوانی و سبز و ارغوانی و آبی و فیروزه ای احترام بگذارید. آنها سمبلهای برکت هستند. به رنگین کمان احترام بگذارید. نشانه ی عهد خدا با شورویاگ خدرشاه زنده است. لعل سفید سمبل خاوران است برای آن احترام قائل شوید.

با رژیم ایران تا نابودی او پیش بروید. از دشمنان اطراف خود غافل نباشید.
در پناه خدا باشید.

آتروپات خاوران، شوریده ی اشکنازی (آزاد کریمی)

چهارم ماه جودای سال ۶۳۷۷ میترایی

نروژ ، سکاندیناوی، اروپای شمالی

شب ۲۵ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی

ترجمه ی کردی و انگلیسی این متن منتشر خواهد شد.